

سالن‌های مذاکرات با هیأت‌های خارجی در سطح رؤسای جمهور و نخست‌وزیرها و بعضاً وزرای خارجه، آشپزخانه، نمازخانه، اتاق شیلد برای مذاکرات محرمانه، اتاق‌های جلسات برای هیأت‌ها و سیستم تأسیسات بسیار پیشرفته که سرور و بوی طبخ غذا و شیرینی جات به سالن‌ها و اتاق‌ها وارد نشود و مجموعه‌های از کارهای معماری ایرانی اسلامی می‌شد. کل کار از دستور تا تحویل یازده ماه طول کشید، ولی اگر اجازه تخریب و احداث بنای جدیدی می‌دادند، کل کار در عرض چهار ماه قابل انجام بود.

بازسازی کاخ دادگستری

اواخر خرداد سال ۱۳۷۲ یک روز آقای غلامحسین واحدی، معاون وزیر دادگستری و حجت‌الاسلام صفدری، مدیرکل دادگستری استان تهران من را به دفتر آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضائیه دعوت و در آن جلسه مسأله ضرورت بازسازی کاخ دادگستری و احداث چند مجتمع قضایی را مطرح کردند و درخواست داشتند شرکت مترو این کار را انجام دهد. من اعلام کردم که ما می‌توانیم، ولی باید مجوز مجمع عمومی یا موافقت وزیر کشور که ریاست مجمع عمومی را دارند گرفته و قبل از شروع کار به مترو ابلاغ شود. آیت‌الله یزدی گفتند: مجوز را می‌گیرند، ولی مشکلی که وجود دارد این است که ما نمی‌توانیم کار دادگاه‌ها و شعب مختلف را در کاخ دادگستری تعطیل کنیم، چون اگر مثلاً یک روز یک دادگاه تعطیل شود، نوبت بعدی رسیدگی به وضعیت متهمی که در زندان است و احتمال دارد بی‌گناه باشد چهار ماه بعد است. یعنی فردی به علت تعمیراتی که ضروری است

باید بدون گناه چهار ماه در زندان و در حالت بلا تکلیفی بماند. گفتیم: شما روزهای پنجشنبه بعد از ظهر چند اتاق را به ما تحویل بدهید که با حضور عوامل حراست و فنی شما پرونده‌ها و مدارک موجود در کمدها و قفسه‌های اتاق رئیس دفتر و قضایی را به طور دقیق، منظم و سریع تخلیه کنیم و در یک قسمت مناسب که جلوی دست و پای ما را نگیرد بگذاریم. ما مصالح ساختمانی را برای کل ساختمان به تأیید نمایندگان فنی شما می‌رسانیم و یک جا تدارک و در قورخانه نگهداری می‌کنیم. به اندازه مورد نیاز مثلاً برای چهار یا پنج اتاق می‌آوریم و نسبت به نقاشی، اصلاح سیستم گرمایش و سرمایش، نصب سرامیک به جای کاشی‌های فرسوده، تعویض رادیاتورها، کلید و پریزها و رنگ و خشک کردن اتاق با استفاده از نورافکن‌های بسیار و چیدن میز، صندلی و مدارک و پرونده‌ها سر جای اصلی خود به همان ترتیبی که بودند، اقدام می‌کنیم. اگر شما

از این روش کار راضی بودید هر روز از ساعت ۱۶ تعدادی اتاق را تحویل می‌گیریم و ساعت ۶ صبح روز بعد بازسازی شده تحویل می‌دهیم که هیچ‌گونه وقفه‌ای در کار دادگاه‌ها به وجود نیاید. کار بازسازی سالن‌ها و نما را هم پس از تکمیل کردن کل اتاق‌ها شروع می‌کنیم. آیت‌الله یزدی بسیار خوشحال شدند و تلفنی با اعضای مجمع عمومی صحبت کردند و شب آقای وزیر کشور تلفنی به من گفتند کار را شروع کنیم و مصوبه را نیز برایم می‌فرستند. من تیم فنی و اجرایی را تعیین کردم و آقای مهندس هوشنگ نورعلی را نیز به‌عنوان

مجری طرح منصوب و روز پنجشنبه کار بازسازی چهار اتاق را آغاز کردیم. حدود ۱۰۰ نفر در هر شیفت کاری به طور مستقیم و در پشتیبانی لایه اول و دوم کار می‌کردند. صبح روز شنبه کارکنان با دیدن چهار اتاق بزرگی که دادگاه رسیدگی داشتند، احساس کردند معجزه‌ای صورت گرفته چون ما همه جا را تعویض کرده بودیم و هیچ ابزار، وسایل و مصالحی هم در مسیر و راهروها نبود، ولی اتاق‌ها رنگ‌آمیزی، کلید و پریز و لوسترها تعویض، قرنیزها و موزاییک‌های قدیمی با سرامیک‌های تکسرام و همچنین پنجره‌ها عوض شده و همه درها دارای پیراق‌آلات نو و رنگ شده بودند. همه پرونده‌ها هم همان‌طور سر جای خودش قرار داشت. آیت‌الله یزدی، حجت‌الاسلام صفدری و آقای واحدی از کار بازسازی دیدن کردند و پس از قردادانی و تشکر فراوان، از فردا ساعت ۱۵ تا ۶ صبح روز بعد تعدادی اتاق با هماهنگی به مهندس نورعلی تحویل شد و کار بازسازی کاخ دادگستری به موازات احداث مجتمع قضایی مازندران و تشکر فراوان، از فردا ساعت ۱۵ تا ۶ صبح روز بعد تعدادی اتاق با هماهنگی به مهندس نورعلی تحویل شد و کار بازسازی کاخ دادگستری به موازات احداث مجتمع قضایی تهران پیش نیاید. آقای سیدعلی مقدم نامه پیوست را نوشتند. من طبقه پنجم ساختمان میرعماد را (دفتر خودم در طبقه چهارم بود) تخلیه کرده و نقاشی و مجهز به تعدادی میز نقشه‌کشی نو، کامپیوتر، اسکنر، پرینتر و لوازم مهندسی کردم. در این رابطه آقای مهندس سید محمد علوی و مهندس سیومانیان در انتخاب میزها، لوازم طراحی، چراغ‌ها و نحوه استقرار، حداکثر سلیقه را به خرج دادند. مهندس سیومانیان بعداً مسجد بزرگ سلطان قاپوس در مسقط، پایتخت کشور عمان را طراحی کرد و نظارت بر اجرا تا تحویل برعهده داشت. بعد با اطلاع قبلی به منزل آقای دکتر مؤیدعهد رفتیم. خودمان را آماده کرده بودیم که چند ساعت صحبت کنیم و بگذاریم دکتر حرف بزند، چون به طور قطع از چیزی ناراحت شده که در مدت یک سال‌ونیم هیچ کاری نکرده است. من قدری راجع به سابقه تحصیلی و تجربی و اینکه فرماندار اهواز، استاندار ایلام و آذربایجان‌غربی بودم و مدیرعامل شرکت نفت فلات

کمک به تهیه طرح‌ها، محاسبات و ماکت مصلاي تهران

سال ۱۳۶۵ یک روز آقای سیدعلی مقدم و آقای ناعقی به دفتر من آمدند و گفتند: برای طراحی مصلاي تهران یک مسابقه بین‌المللی گذاشته‌اند و نهایتاً طرحی که آقای دکتر مؤیدعهد ارائه کرده، برنده شده و مورد تأیید هیأت داوران قرار گرفته است، ولی در طول یک سال‌ونیم گذشته که از تأیید طرح ایشان گذشته، هیچ اقدامی در راستای تهیه نقشه‌های فاز یک انجام نداده‌اند، چون ایشان ناراحتی قلبی دارند و هر سال چند ماه هم به فرانسه می‌روند، خدای ناکرده اگر اتفاقی برای ایشان بیفتد، مشکل پیش می‌آید. گفتیم: اگر به صورت مکتوب این کار را به شرکت مترو بسپارند و به آقای دکتر مؤیدعهد هم بگویند که ما می‌خواهیم نیرو و امکانات فنی و خدمات به ایشان بدهیم تا کار را عملیاتی کنند، می‌توانیم



بش

جاسازی اسلحه در سقف اتاق‌های دادگستری

من تیم فنی و اجرایی را تعیین کردم و آقای مهندس هوشنگ نورعلی را نیز به‌عنوان مجری این طرح منصوب و روز پنجشنبه کار بازسازی چهار اتاق را آغاز کردیم. حدود ۱۰۰ نفر در هر شیفت کاری به طور مستقیم و در پشتیبانی لایه اول و دوم کار می‌کردند. صبح روز شنبه کارکنان با دیدن چهار اتاق بزرگی که دادگاه رسیدگی داشتند، احساس کردند معجزه‌ای صورت گرفته چون ما همه جا را تعویض کرده بودیم و هیچ ابزار، وسایل و مصالحی هم در مسیر و راهروها نبود، ولی اتاق‌ها رنگ‌آمیزی، کلید و پریز و لوسترها تعویض، قرنیزها و موزاییک‌های قدیمی با سرامیک‌های تکسرام و همچنین پنجره‌ها عوض شده و همه درها دارای پیراق‌آلات نو و رنگ شده بودند. همه پرونده‌ها هم همان‌طور سر جای خودش قرار داشت. آیت‌الله یزدی، حجت‌الاسلام صفدری و آقای واحدی از کار بازسازی دیدن کردند و پس از قردادانی و تشکر فراوان، از فردا ساعت ۱۵ تا ۶ صبح روز بعد تعدادی اتاق با هماهنگی به مهندس نورعلی تحویل شد و کار بازسازی کاخ دادگستری به موازات احداث مجتمع قضایی مازندران و تشکر فراوان، از فردا ساعت ۱۵ تا ۶ صبح روز بعد تعدادی اتاق با هماهنگی به مهندس نورعلی تحویل شد و کار بازسازی کاخ دادگستری به موازات احداث مجتمع قضایی تهران پیش نیاید. آقای سیدعلی مقدم نامه پیوست را نوشتند. من طبقه پنجم ساختمان میرعماد را (دفتر خودم در طبقه چهارم بود) تخلیه کرده و نقاشی و مجهز به تعدادی میز نقشه‌کشی نو، کامپیوتر، اسکنر، پرینتر و لوازم مهندسی کردم. در این رابطه آقای مهندس سید محمد علوی و مهندس سیومانیان در انتخاب میزها، لوازم طراحی، چراغ‌ها و نحوه استقرار، حداکثر سلیقه را به خرج دادند. مهندس سیومانیان بعداً مسجد بزرگ سلطان قاپوس در مسقط، پایتخت کشور عمان را طراحی کرد و نظارت بر اجرا تا تحویل برعهده داشت. بعد با اطلاع قبلی به منزل آقای دکتر مؤیدعهد رفتیم. خودمان را آماده کرده بودیم که چند ساعت صحبت کنیم و بگذاریم دکتر حرف بزند، چون به طور قطع از چیزی ناراحت شده که در مدت یک سال‌ونیم هیچ کاری نکرده است. من قدری راجع به سابقه تحصیلی و تجربی و اینکه فرماندار اهواز، استاندار ایلام و آذربایجان‌غربی بودم و مدیرعامل شرکت نفت فلات

نقشه‌های کامل معماری، سازه و فاز یک و ماکت را تهیه کنیم، به گونه‌ای که اگر ایشان به فرانسه رفته و برنگشتند یا خدای ناکرده فوت کردند، مشکلی برای احداث مصلاي تهران پیش نیاید. آقای سیدعلی مقدم نامه پیوست را نوشتند. من طبقه پنجم ساختمان میرعماد را (دفتر خودم در طبقه چهارم بود) تخلیه کرده و نقاشی و مجهز به تعدادی میز نقشه‌کشی نو، کامپیوتر، اسکنر، پرینتر و لوازم مهندسی کردم. در این رابطه آقای مهندس سید محمد علوی و مهندس سیومانیان در انتخاب میزها، لوازم طراحی، چراغ‌ها و نحوه استقرار، حداکثر سلیقه را به خرج دادند. مهندس سیومانیان بعداً مسجد بزرگ سلطان قاپوس در مسقط، پایتخت کشور عمان را طراحی کرد و نظارت بر اجرا تا تحویل برعهده داشت. بعد با اطلاع قبلی به منزل آقای دکتر مؤیدعهد رفتیم. خودمان را آماده کرده بودیم که چند ساعت صحبت کنیم و بگذاریم دکتر حرف بزند، چون به طور قطع از چیزی ناراحت شده که در مدت یک سال‌ونیم هیچ کاری نکرده است. من قدری راجع به سابقه تحصیلی و تجربی و اینکه فرماندار اهواز، استاندار ایلام و آذربایجان‌غربی بودم و مدیرعامل شرکت نفت فلات

قاره و مدیرعامل



با توجه به افزایش جمعیت و دسترسی شهروندان مختلف به تهران، با کثرت مراجعات روبه‌رو شده‌ایم به گونه‌ای که آشپزخانه و کتابخانه را هم به اتاق نگهداری از نوزادان مشکل‌دار تبدیل کرده‌ایم که باید جراحی شوند و وضعیت بحرانی شده است. ما از آقای رفیق دوست می‌خواهیم خودشان و تعدادی از خیرین کمک کنند تا یک سوله در قسمتی از زمین پارکینگ بزینم و قدری از این مشکل را حل کنیم. آقای رفیق دوست گفت: من از خودم بیست میلیون تومان کمک می‌کنم، ولی باید خیرین را جداگانه دعوت کنیم و آنها هم با همت عالی جلو بیایند. بعد آقای دکتر ولایتی گفتند: آقای مهندس ابراهیمی شما اگر با استفاده از ماشین آلات سنگین مترو خاکبرداری را انجام دهید که پارکینگ به زیرزمین برود و سقف بزینم و بعد سوله را روی سقف پارکینگ احداث کنیم می‌شود با این بیست میلیون تومان کار را شروع کنیم و به تدریج از خیرین و اگر شد از دولت پول بگیریم و کار را انجام دهیم

و گروهک‌ها افتاده بود و افراط و تفریط‌های زیادی صورت گرفت و این موارد اشتباه بوده، ولی قابل جبران است. بعد راجع به کار فاخر و ارزشمندی که دکتر انجام داده و جز با کمک خودش به طرح‌های معماری فاز یک، فاز دو و تکمیل کار سازه‌ای برای اجرایی کردن کار تبدیل نخواهد شد، صحبت کردم و گفتم: من یک طبقه را در ساختمان مرکزی مترو آماده و تجهیز کردم و با نظر شما تکمیل می‌کنم تا کار را شروع کنیم. آقای دکتر گفت: من تیم خود را خودم انتخاب می‌کنم، من هم پذیرفتم. ایشان اسم آقای به نام مهندس خاچاتوریان و اسم چند مهندس و نقشه‌کش خانم را که از شاگردان نخبه او بودند، به همراه شماره تماس‌هایشان دادند و با آنها برای فردا صبح قرار گذاشتیم. وقتی فردا صبح آقای ناعقی، دکتر را به اداره آورد، همه تیم پشت میزهای نقشه‌کشی ایستاده بودند و از استاد استقبال کردند. این برخورد و احترام و بهادادن به آقای دکتر مؤیدعهد باعث شد ظرف مدت ۶ ماه نقشه‌های فاز یک را بدهند و آقای مهندس نخعی که ماکت ساختمان حج و زیارت را ساخته بود و در کارشان هم استاد بودند، ماکتی ساخت. از عکاسی عدل خواستیم از نقشه‌های معماری، ماکت و مقاطع عکس‌های حرفه‌ای بگیرند و این عکس‌ها را در دو آلبوم بزرگ و نفیس همراه توضیحاتی که با خط زیبا زیرنویس شده بود، در دو کیف چرمی آماده کردند. بعد خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و توضیحات فنی و تخصصی، برآورد احجام و مساحت‌ها، نمونه‌کارهای معماری اسلامی، کاشی‌کاری و کارهایی را که باید در محراب و سقف سالن‌ها اجرا می‌شد ارائه دادیم. به حضرت آقا گفتیم: هر گونه مصلحت می‌دانند از آقای دکتر مؤیدعهد قردادانی و تقدیر مادی و معنوی انجام دهند و دلیل توقف کار و برخورد‌های بدی را که با ایشان شده بود نیز توضیح دادم. مقام معظم رهبری فرمودند: آیا بدون اینکه به کار مترو لطمه وارد شود می‌توانید کار اجرایی مصلی را هم انجام دهید؟ عرض کردم: متأسفانه به‌رغم تمایل به انجام این پروژه عظیم، در مرحله‌ای از کار مترو هستیم که به کار آن لطمه وارد می‌شود و ممکن است تأخیر زیادی در کار مترو به وجود آید. پیشنهاد آقای مکنم آقای سردار حسین علایی یا آقای سعیدی کیا مسئولیت کار را به عهده بگیرند. آقای حسین علایی و آقای قیامتیون بعد از مدتی متولی کار شدند و کار به کندی پیش رفت و هنوز هم کامل نشده است.

جلسه آقای هاشمی رفسنجانی در چین

در جلسه‌ای که جناب آقای هاشمی رفسنجانی با رئیس‌جمهور چین داشتند، برای رسیدن به توافقنامه همکاری‌های استراتژیک بیست ساله گفت‌وگو می‌کردند که حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار طرح و پروژه با مشارکت دولت و شرکت‌های

چینی در حوزه‌های مختلف انرژی، نفت، گاز، پتروشیمی، مترو و کارخانجات سیمان محقق شود. آقای هاشمی رفسنجانی گفت: به قول یک ضرب‌المثل چینی: «سفر هزار فرسخی با اولین قدم آغاز می‌شود.» موقعی که نوبت رئیس‌جمهور چین شد، قبل از پاسخگویی به توافقنامه همکاری‌های استراتژیک، پیشنهادی داد و گفت: فردا پس از صبحانه کاری در این مورد مذاکرات نهایی انجام شود و به موارد دیگر پرداخته و در برخی موارد به جمع‌بندی رسیدند. فردا صبح جناب آقای هاشمی رفسنجانی و هیأت‌همراه را از ویلاهای مختلفی که در یک مجموعه بسیار زیبا و بزرگ اسکان داده بودند به یک سالن بزرگ و بسیار زیبا بردند. میزبزرگی در آن سالن گذاشته بودند و همه هیأت در یک طرف میز نشستند. طرف دیگر میز هم اصلاً صندلی نگذاشته بودند و چیزی حدود ۳۵ نفر مرد و زن به فاصله حدود ۱۰ متر روبه‌روی این هیأت‌ایستاده بودند و با اجازه آقای هاشمی رفسنجانی تعدادی از خانم‌های چینی پذیرایی صبحانه را آغاز کردند. ابتدا آقای هاشمی رفسنجانی گفتند این خوب نیست که ما مشغول صبحانه شویم و این آقایان و خانم‌ها روبه‌روی ما بایستند. یکی از آقایان چینی که به نظر می‌رسید نسبت به بقیه ارشدیت دارد به زبان فارسی گفت: جناب آقای هاشمی به جناب‌عالی و هیأت‌همراه خوشامد می‌گوییم، دوستانی که در خدمت شما ایستاده‌اند، قبلاً صبحانه صرف کرده‌اند. آقایان و خانم‌ها همگی دکتری زبان و ادبیات فارسی دارند و هر کدام حافظ اشعار تعدادی از شعرای فارسی‌زبان از زمان رودکی تاکنون هستند. آنها هر کدام چند بیت از مهم‌ترین و مشهورترین اشعار فارسی را می‌خوانند و سپس جناب‌عالی و هیأت‌همراه هر شعری را که بخواهید یا مصرع اول یا آخر یا موضوعش را بگویند آنها اشعار را برای شما می‌خوانند. سپس شروع کردند از رودکی، فردوسی، حافظ، سعدی، خاقانی، ملک‌الشعراي بهار، پروین اعتصامی و مولوی اشعاری را سرودند. بعد آقای هاشمی و آقای ولایتی و یکی، دو نفر دیگر ابیاتی را گفتند و آنها کل غزل یا چند بیت بعدی را خواندند. آقای هاشمی پرسیدند: چرا شما اشعار فارسی را حفظ کردید؟ پاسخی که شنیدیم بسیار جالب بود. ایشان گفتند: ادبیات فارسی پر از حکمت، فلسفه، ادب، لطافت و درس‌های زندگی است. ما با این کار این گنجینه‌های تمدن پارسی و ایرانی را می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و مفاهیم، معانی و درس‌های آن را وارد زبان و ادبیات چین می‌کنیم. ما این راه چند هزار فرسخی را از هزار سال پیش آغاز کرده‌ایم. امیر سه فاز از آقای هاشمی رفسنجانی و هیأت‌همراه پرید و صبحانه کوفت و زهرمان شد و مجذوب عقلا نیت و کار ریشه‌ای آنها شدیم.

بازسازی در کاخ دادگستری



بش

اواخر خرداد سال ۱۳۷۲ یک روز آقای غلامحسین واحدی، معاون وزیر دادگستری و حجت‌الاسلام صفدری، مدیرکل دادگستری استان تهران من را به دفتر آیت‌الله یزدی، رئیس قوه قضائیه دعوت و در آن جلسه مسأله ضرورت بازسازی کاخ دادگستری و احداث چند مجتمع قضایی را مطرح کردند و درخواست داشتند شرکت مترو این کار را انجام دهد. من اعلام کردم که ما می‌توانیم، ولی باید مجوز مجمع عمومی یا موافقت وزیر کشور که ریاست مجمع عمومی را برعهده دارند گرفته و قبل از شروع کار به مترو ابلاغ شود. آیت‌الله یزدی گفتند: مجوز را می‌گیرند، ولی مشکلی که وجود دارد این است که ما نمی‌توانیم کار دادگاه‌ها و شعب مختلف را در کاخ دادگستری تعطیل کنیم، چون اگر مثلاً یک روز یک دادگاه تعطیل شود، نوبت بعدی رسیدگی به وضعیت متهمی که در زندان است و احتمال دارد بی‌گناه باشد چهار ماه بعد است. یعنی فردی به علت تعمیراتی که ضروری است باید بدون گناه چهار ماه در زندان و در حالت بلا تکلیفی بماند.

